



جوعه خونین زاهدان

همگرایی خشم ملی و سرکوب در بلوچستان

جمعه خونین زاهدان:

همگرایی خشم ملی و سرکوب در بلوچستان

دادگستر، بانک اطلاعاتی ناقضان حقوق بشر وابسته به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

خلاصه

در پس زمینه اعتراضات سراسری ناشی از مرگ دلخراش مهسا امینی، زاهدان شاهد سرکوب وحشیانه‌ای در تاریخ ۸ مهر ۱۴۰۱، بود. در حالی که معترضان پس از اقامه نماز جمعه در مصلی بزرگ زاهدان تجمع کرده بودند، نیروهای امنیتی به شلیک رگباری از گلوله‌های جنگی مبادرت کردند. گلوله‌های جنگی و گاز اشک آور که منجر به تلفات قابل توجهی شد. این فاجعه که اکنون به نام «جمعه خونین زاهدان» شناخته می‌شود، نمادی از بی توجهی روزافزون مقامات ایرانی نسبت به قداست جان انسان‌ها و گسترده تر شدن مبارزات جامعه بلوچ در کشور است.

مشکلات جامعه بلوچ ایران

جامعه بلوچ در ایران که عمدتاً در منطقه جنوب شرق کشور از جمله استان سیستان و بلوچستان سکونت دارند، از دیرباز با حاشیه‌نشینی اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مواجه بوده‌اند. مردم بلوچ به عنوان یک اقلیت مسلمان سنی در یک کشور عمدتاً شیعه، اغلب با تبعیض مذهبی و به حاشیه رانده شدن قومی دست و پنجه نرم می‌کنند.

۱- نابرابری های اقتصادی: سیستان و بلوچستان با وجود اینکه یکی از بزرگ ترین استان های کشور است، در زمره فقیرترین استان ها نیز قرار دارد. امکانات اولیه مانند آب، برق و مراقبت های بهداشتی برای بسیاری غیرقابل دسترس است. نرخ بیکاری به طور قابل توجهی بالاتر از میانگین کشوری است. محرومیت اقتصادی سیستماتیک به نارضایتی ها دامن زده و بین مردم بلوچ و دولت مرکزی شکاف ایجاد کرده است.

۲- به حاشیه راندن سیاسی: بلوچ ها نمایندگی محدودی در نظام سیاسی ایران دارند. سیاست‌هایی که در تهران اتخاذ می‌شوند اغلب نیازها و چالش‌های منحصر به فرد جامعه بلوچ را نادیده می‌گیرند. فقدان نمایندگی قابل توجه بلوچ به این معنی است که صدای آنها اغلب در راهروهای سیاست گذاری شنیده نمی‌شود.

۳- تبعیض مذهبی: بلوچ ها به عنوان مسلمانان سنی در ایران با اکثریت شیعه، با تبعیض مذهبی مواجه هستند. این امر در دسترسی محدود آنها به آموزش دینی، محدودیت در ساخت مساجد اهل سنت و آزار و اذیت روحانیون اهل سنت مشهود است.

۴- سرکوب فرهنگی: سیاست دولت ایران در قبال اقلیت ها از جمله بلوچ ها به سمت همسان سازی اجباری گرایش دارد. سنت ها، زبان ها و آداب و رسوم بلوچ اغلب با سرکوب مواجه می‌شوند. سیستم آموزشی این منطقه به ندرت دوره هایی را به زبان بلوچی ارائه می‌دهد، این سیاست ها به آرامی میراث زبانی جامعه بلوچ را از بین می‌برد.

۵- نقض حقوق بشر: دستگیری های خودسرانه، بازداشت غیرقانونی، شکنجه و قتل های فراقانونی در منطقه بلوچستان مستمر گزارش شده است. وضعیت ناپایدار امنیتی منطقه، تا حدی به دلیل مرزهای آن با پاکستان و افغانستان، اغلب به عنوان بهانه ای برای این تخلفات استفاده می‌شود.

اعتراضات سراسری در ایران

جان باختن دردناک مهسا (ژینا) امینی در شهریور ۱۴۰۱، در زمانی که در بازداشت پلیس امنیت اخلاقی بود، به بروز اعتراضات گسترده منجر شد. سرنوشت این جوان ۲۲ ساله به سرعت نمادی از ناامیدی گسترده تر از عملکرد حکومت ایران شد. رشته تظاهراتی با کلیدواژه «زن، زندگی، آزادی» در بیرون از بیمارستان کسری تهران آغاز شد و به سرعت در تمام ۳۱ استان از جمله سیستان و بلوچستان گسترش یافت. هر چند این اعتراضات با مرگ مهسا شعله ور شد اما دامنه آن برای به چالش کشیدن زیربنای ایدئولوژیک حکومت ایران گسترده شد.

جمعه خونین زاهدان: روایتی عمیق

زاهدان، مرکز استان سیستان و بلوچستان ایران، در ۸ مهر ۱۴۰۱، به کانون توجه جهانی تبدیل شد، رویدادی که اکنون به عنوان «جمعه خونین» در حافظه جمعی ثبت شده است. در اینجا، غم و اندوه ملی از مرگ دلخراش مهسا امینی با خشم منطقه‌ای به دلیل تعرض ادعایی به یک دختر جوان بلوچ همراه شد. این دو رویداد با هم ترکیبی قوی از خشم و سرکشی در برابر ظلم سیستماتیک ایجاد کردند.

در حالی که ایران درگیر اعتراضات سراسری بود، سیستان و بلوچستان مجموعه‌ای از نارضایتی‌های منحصر به فرد خود را تجربه می‌کرد. در بحبوحه مرگ مهسا امینی، خبری مبنی بر تعرض یک افسر عالی رتبه پلیس به نام ابراهیم کوچکزی به یک دختر ۱۵ ساله بلوچ منتشر شد. این فقط یک نقض حقوق بشر نبود بلکه وزن تاریخی ستم بر بلوچستان را با خود به همراه داشت.

مردم محلی خشمگین شدند. خبر منتشر شد و تصمیم جمعی گرفته شد: پس از نماز جمعه آینده، جامعه تظاهرات مسالمت آمیزی علیه این جنایت برگزار می‌کند و همزمان با اعتراضات سراسری جاری اعلام همبستگی می‌کند.

جمعه خونین آشکار می‌شود

در روز سرنوشت‌ساز، هزاران نفر جمع شدند و شعارهایشان حس مشترک عدالت و تغییر را بازتاب می‌داد. گستره وسیع مصلی بزرگ زاهدان به دریایی از معترضین تبدیل شد تا به طور مسالمت آمیز نگرانی‌های خود را مطرح کنند.

با این حال، طبق گزارشات منابع محلی و شاهدین، نیروهای امنیتی ایران پیشگیرانه برای سرکوب خشونت آمیز اعتراضات برنامه ریزی کرده بودند. با تجمع معترضان، واحدهایی از نیروهای امنیتی در پشت بام‌های استراتژیک اطراف مصلی و مسجد مکی قرار گرفتند. با افزایش شتاب جمعیت، این نیروها حمله خود را آغاز کردند.

اول، گزارش‌هایی مبنی بر شلیک گاز اشک آور منتشر شد که باعث وحشت گسترده شد. با کاهش شوک اولیه جمعیت و تلاش برای یافتن زمینه امن‌تر، مرحله مرگبارتر سرکوب آغاز شد. شاهدان عینی از تغییر وحشتناکی خبر دادند زیرا شلیک پراکنده گاز اشک آور با شلیک گلوله واقعی جایگزین شد.

صحنه به آشوب تبدیل شد. معترضان از جمله زنان، کودکان و افراد مسن در رگبار بی‌امان گرفتار شدند. بسیاری سعی کردند فرار کنند، اما نیروهایی که موقعیت استراتژیک داشتند تلاش کردند تا اطمینان حاصل کنند که مسیرهای فرار محدود است. خون محوطه مصلی را در بر گرفت و فریادهای درد و اندوه با صدای شلیک گلوله‌ها در هم آمیخت.

عواقب

این سرکوب وحشیانه فقط چند ساعت به طول انجامید، اما تأثیر آن برای نسل‌ها احساس خواهد شد. گزارش‌های فوری هرج و مرج بود و تعداد کشته‌ها و مجروحان در نوسان بود. با این حال، منابع موثق تخمین می‌زنند که حداقل ۹۰ نفر جان خود را از دست داده و صدها نفر دیگر زخمی شده‌اند. برخی برای فرار در ازدحام مردم زیر دست و پا افتادند، در حالی که برخی دیگر قربانی مستقیم تیراندازی شدند.

بلافاصله پس از آن، زاهدان در شوک رفت. اما با گذشت روزها، شهر و در واقع جامعه بلوچ گسترده تر از قبل گرد هم آمدند. این تراژدی به یک نماد تبدیل شد و گروه‌های مختلف را علیه آنچه که آنها وحشیگری کنترل نشده حکومت ایران می‌دانستند متحد کرد.

با وجود خشونت جمعه خونین، روحیه معترضان شکسته نشد. در هفته‌های بعد، زاهدان شاهد تظاهرات بیشتری بود، به‌ویژه پس از نماز جمعه، که نشان‌دهنده مقاومت مداوم و امتناع از فراموشی وقایع ۸ مهر بود.

میراث جمعه خونین

جمعه خونین زاهدان فراتر از یک رویداد است، اکنون نماد مقاومت در برابر ظلم است، نه تنها در ایران بلکه در سطح جهانی. جامعه بین‌المللی وحشت و محکومیت خود را ابراز کرد و سازمان‌های حقوق بشری خواستار تحقیقات کامل و بی‌طرفانه در مورد اقدامات نیروهای امنیتی ایران شدند. رویدادهای آن روز، اگرچه غم‌انگیز است، اما دعوت به تغییر، عدالت و پایان دادن به خشونت‌های سیستمی و ظالمانه را تقویت کرده است.

۸ مهر ۱۴۰۱ شاهد نمایش وحشیانه استفاده بیش از حد از زور علیه غیرنظامیان بود که در نهایت به استفاده از نیروی مرگبار افزایش یافت. بدیهی است که ملاحظات تناسب در نظر گرفته نشده است. تصمیم نیروهای امنیتی برای مسدود کردن مسیرهای خروجی علاوه بر این حاکی از پیش‌بینی شنیعی است.

اقدامات نیروهای وابسته به حکومت در جمعه خونین، نقض آشکار قوانین بین‌المللی و معاهدات حقوق بشری است. ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) به مفاد آن ملزم است. ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح می‌کند که "هر انسانی حق ذاتی حیات دارد. این حق توسط قانون حمایت می‌شود. هیچکس را نمی‌توان خودسرانه از زندگی خود محروم کرد." علاوه بر این، ماده ۷ شکنجه

یا رفتار یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز را ممنوع کرده است. سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین المللی به خوبی تثبیت کرده اند که احترام به این حقوق، بر پلیس و سایر نیروهای امنیتی نیز ضروری است.

در مواقعی که اعتراض به حدی می‌رسد که ممکن است استفاده از زور لازم باشد، مأموران امنیتی همچنان موظف به احترام و حفظ جان انسان‌ها هستند. از سلاح گرم فقط باید برای دفاع شخصی یا دفاع از دیگران استفاده شود.

با توجه به گزارش‌های نگران‌کننده در مورد آزار و تجاوز جنسی که گفته می‌شود توسط نیروهای امنیتی در این شهر انجام شده است، ضروری است که کمیته حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد، مطابق با مأموریت خود، بررسی سریع و کاملی از آزار جنسی از زنان و دختران در بافت اعتراضات انجام دهد. این مأموریت همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران را ترغیب می‌کند تا حقوق بشر را رعایت، حمایت و اجرا کند و تمامی اقدامات لازم را برای توقف و جلوگیری از کشتارهای خودسرانه، سایر اشکال محرومیت خودسرانه از زندگی، ناپدیدسازی‌های اجباری، خشونت و سوءاستفاده جنسی، بازداشت‌ها و زندانی کردن‌های خودسرانه، شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز همه شهروندان از جمله شرکت‌کنندگان در اعتراضات مسالمت‌آمیز انجام دهد.

نتیجه

جمعه خونین زاهدان یادآوری آشکاری از تلاقی مسائل ملی گسترده با مشکلات منطقه‌ای خاص است. همزمان با ایرانیان سراسر کشور که برای ابراز نارضایتی از سیاست‌های سرکوبگر دولت به خیابان آمده بودند، در زاهدان اما جامعه بلوچ که از پیش محروم بود به‌طور شدیدتری با خشونت مواجه شد. خواسته‌های آنها برای عدالت، هم برای مهسا و هم برای دختر ۱۵ ساله بلوچ، با گلوله‌های کشنده و گاز اشک‌آور مواجه شد. همزمان با دست و پنجه نرم کردن جهان با این رویدادها، اهمیت درک پویایی‌های منطقه‌ای در جنبش‌های ملی بیشتر برجسته می‌شود. مردم

زاهدان و به تبع آن جامعه بلوچ ایران، خواهان عدالت برای رویدادهای ۸ مهرماه و پایان دهه‌ها غفلت و سرکوب سیستماتیک هستند.

ضرورت شناسایی عاملان: تضمین پاسخگویی در کشتار زاهدان

اعمالی که در روز جمعه خونین زاهدان رخ داد، فقط یک اتفاق نیست. آنها نماد مسائل سیستمی عمیق تر مربوط به حکومت، کنترل و اعمال قدرت هستند. خشونت‌هایی که علیه معترضان ایجاد می‌شود، نقض اصول اساسی حقوق بشر و قوانین بین‌المللی است. شناسایی عاملان یک گام اساسی برای حمایت از حاکمیت قانون و حفاظت از ساختار جامعه مدنی است. از دیگر دلایل لزوم پاسخگو کردن عاملان این واقعه میتوان به موارد زیر اشاره کرد :

۱- برقراری عدالت: عدالت یک اصل جهانی فراتر از مرزها و فرهنگ‌ها است. برای خانواده‌های قربانیان و مجروحان، شناخت مسئولان فاجعه احساس آرامش و اعتقاد به شناخته شدن رنج‌هایشان را ایجاد می‌کند. این گامی به سوی التیام، هم برای افراد و هم برای جامعه به طور کلی است.

۲- پاسخگویی و بازدارندگی: افراد مسئول باید پیامی روشن به سایر متخلفان احتمالی دهند، که چنین اعمالی بدون مجازات نمی‌مانند. این به نوبه خود به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند و تضمین می‌کند که چنین اعمال شنیعی در آینده تکرار نمی‌شود.

۳- حفظ اعتماد: دولت‌ها و نهادها قدرت خود را از اعتمادی که شهروندان به آن‌ها می‌کنند، می‌گیرند. هنگامی که این اعتماد نقض می‌شود، همانطور که در زاهدان اتفاق افتاد، بازگرداندن آن بسیار مهم است. شناسایی و اقدام علیه مجرمان نشان دهنده تعهد به رعایت قانون و جلب اعتماد عمومی است.

۴- ارتقای حقوق بشر: جامعه جهانی به سازمان‌های حقوق بشر به عنوان دیده بان و حامی حقوق جهانی می‌نگرد. نقش فعال آنها در چنین حوادثی تعهد آنها به این آرمان‌ها را تأیید می‌کند و چارچوب جهانی حقوق بشر را تقویت می‌کند.





۵- ایجاد سابقه تاریخی: با مستندسازی جزئیات و پاسخگویی افراد، یک رکورد تاریخی ایجاد می شود. این تضمین می کند که نسل های آینده از اشتباهات گذشته آگاه هستند و تاریخ تکرار نمی شود.

شناسایی مقصران

چندین منبع و شاهد عوامل کلیدی در کشتار زاهدان و حوادث پس از آن در سطح استان سیستان و بلوچستان را شناسایی کرده اند. برخی از اسامی مستند شده عبارتند از:




<p>۱. حسین مدرس خیابانی - استاندار وقت بلوچستان</p>	 A portrait of Hossein Modarresi Khayabani, a man with a beard and mustache, wearing a dark suit and a light-colored shirt, speaking at a podium with microphones.
<p>۲. محمد کرمی - استاندار سیستان و بلوچستان.</p>	 A portrait of Mohammad Karami, a man with a grey beard and mustache, wearing a green military-style uniform with a red collar, speaking at a podium with microphones.

<p>۳. ابوذر مهدی نخعی - سرپرست استانداری زاهدان و فرماندار زاهدان</p>	
<p>۴. علی شعبانی - معاون استاندار سیستان و بلوچستان و فرماندار ویژه وقت شهرستان ایرانشهر</p>	
<p>۵. صاحب گل صالحی - فرماندار شهرستان خاش</p>	
<p>۶. سلمان برهانی - فرماندار شهرستان بمپور</p>	

<p>۷. محمود سعادت - فرماندهی انتظامی زاهدان</p>	
<p>۸. احمد طاهری - فرماندهی انتظامی وقت بلوچستان</p>	
<p>۹. حبیب رازدار - فرماندهی انتظامی شهرستان خاش</p>	
<p>۱۰. علیرضا صیاد - فرماندهی انتظامی بمپور</p>	

<p>۱۱. علی سرحدی - رئیس پلیس اطلاعات و امنیت عمومی استان سیستان و بلوچستان. (به گزارش حال وش، این شخص در تاریخ ۸ مهر ۱۴۰۱ هنگام وقوع قتل عام در کلانتری ۱۶ نزدیک مسجد مکی حضور داشته و به کشتار مردم دامن زده است.)</p>	
<p>۱۲. احمد شفاهی - فرمانده سپاه سلمان در استان سیستان و بلوچستان</p>	
<p>۱۳. احمد مالدار - فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراوان</p>	
<p>۱۴. سید محمد اعظمی - معاون عملیات قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه. (به گزارش حال وش، محمد اعظمی در ۸ مهر ۱۴۰۱ هنگام وقوع قتل عام شخصاً در مسجد مکی حضور داشت و به کشتار مردم دامن زده است.)</p>	

<p>۱۵. حمزه دهقان - رئیس حفاظت اطلاعات سپاه قدس استان.</p>	
<p>۱۶. مرتضی جوکار - جانشین فرمانده نیروی انتظامی استان</p>	
<p>۱۷. حسین قنبری - رئیس شعبه دوم مجتمع قضایی شهید نوری (دادگاه عمومی زاهدان)</p>	
<p>۱۸. مجید معلم زاده انصاری - دادستان عمومی و انقلاب وقت چابهار</p>	

<p>۱۹. مرتضی پیری - رئیس زندان زاهدان</p>	
<p>۲۰. مهدی شمس آبادی - دادستان عمومی و انقلاب سیستان و بلوچستان</p>	
<p>۲۱. علی مصطفوی نیا - رئیس کل دادگستری سیستان و بلوچستان</p>	
<p>۲۲. محمدحسین خسروی - اداره کل زندانهای استان سیستان و بلوچستان</p>	

<p>۲۳. ابوذر محمدپور - رئیس اداره حفاظت و اطلاعات زندانهای سیستان و بلوچستان</p>	
<p>۲۴. نیک محمد بلوچ زهی - اداره کل فناوری اطلاعات و ارتباطات سیستان و بلوچستان</p>	

*لازم به اشاره است که این فهرست جامع نیست. دادگستر، بانک اطلاعاتی ناقضان حقوق بشر، وابسته به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، همراه با شرکای خود، به مستندسازی فهرست کامل افرادی که در استفاده از نیروی مرگبار علیه غیرنظامیان در ۸ مهر ۱۴۰۱ و حوادث پس از آن دست داشته اند ادامه می دهد، اگر اطلاعاتی در این رابطه دارید لطفا با دادگستر تماس

بگیرید: info@spreadingjustice.org